



پیام سنديکا

شماره ۲۰

مرداد ۹۲



## پیام سنديکا

شماره ۲۰

مرداد ۹۲

هیات تحریریه سنديکای کارگران فلزکار مکانیک



شناسه:

سنديکای کارگران فلزکار مکانیک، تاسیس: ۱۳۳۹، ثبت وزارت کار: ۳۴  
سنديکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، تاسیس:

۱۳۴۷، ثبت وزارت کار: ۴۲۶

سنديکای کارگران نقاش و تزئینات، تاسیس: ۱۳۴۸

سنديکای کارگران نیشکر هفت تپه، تاسیس: ۱۳۵۳

## خصوصی سازی یا منفعت طلبی

کانون مدافعان حقوق کارگر - پس از پیروزی انقلاب با وجود فشارهای موجود از جو انقلاب و افکار چپ که رنگ و بوی اسلامی را نیز یدک می کشید، دولت تمام اقتصاد را به سمت مدیریت خود پیش برد. با شروع جنگ و وضعیت فوق العاده حاکم بر کشور بهانه ای همه جانبه جهت دولتی کردن اقتصاد را به دست داد، (که بخشی از آن در قانون اساسی آمده بود). حتی اقتصاد خرد از این ایده در امان نماند. اما پس از چندین سال به خصوص با فروکش کردن تب اولیه انقلاب و خوابیدن جنگ زمزمه هایی در راستای خصوصی سازی صنایع، معادن، بانک ها، حمل و نقل عمومی و ریلی، خطوط هوایی، پست و تلگراف و مخابرات و در کل بخش بزرگی از اقتصاد توسط حاکمیت به گوش می رسید. و در این راستا سازمانی نیز برای اعمال سیاست هایی جهت آزادسازی اقتصاد تأسیس شد و با ابلاغ اصل 44 قانون اساسی از جانب جانشین رهبر انقلاب، واگذاری شرکت ها، معادن صنایع مادر، بانک ها و حمل و نقل عمومی و ریلی، پست و مخابرات و در کل اموالی که به واسطه ی بودجه ی عمومی دولت حاصل از فروش نفت به مدت بیش از 30 سال و مشارکت بالای مردم ایجاد شده بود، (مانند مخابرات که با مزایده صوری و دستور ریاست جمهوری به نهادهای خاص واگذار شد.) تحت نام خصوصی سازی با عنوان کوچک کردن دولت اقدام شد. اگر آمار دقیقی از واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی در اختیار باشد، مشخص می شود اکثر شرکت های فعال سود ده را با مبالغ بسیار ناچیز با عنوان زیان ده یا در آستانه ی ورشکستگی و تعطیلی، بدون مطالعه در بخش واگذاری به افراد حقیقی و حقوقی خاص واگذار کرده اند. خصوصی سازی، زمانی که ایران خواستار عضویت در سازمان تجارت

جهانی شد و اصلاحات مد نظر بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی مورد قبول واقع شد، شتاب بیشتری گرفت و لذا بدون برنامه‌ای دقیق و بلندمدت که آثار زیان‌بار آن کمترین حد ممکن را داشته باشد و فقط برای منفعت‌طلبی عده خاص از کسانی که سهم خواهی از انقلاب داشتند و آگذاری‌ها انجام پذیرفت. اما در برخی شرکت‌ها که هنوز رنگ و بوی دولتی می‌دهد، خصوصی‌سازی تابویی شده جهت اعمال فشار به کارگران آن مجموعه برای استثمار بیشتر زیرا که مدیران برای فرار از قوانین حمایتی قانون کار، که به اعتقادنگارنده سهم کارگزاران قانون کار بسیار ناچیز است، همانند تشکل مستقل، در جهت پرداخت کمترین دستمزد و بهره‌کشی از کارگر، از این تابوی خصوصی‌سازی استفاده می‌کنند و کارگر را بر سر دوراهی امنیت شغلی و بهره‌کشی قرار می‌دهند. با عنوان اینکه اگر کارگران خواستار پیگیری حداقل حقوق قانونی مطابق قوانین موجود باشند، شروع به تبلیغات سوء و ترساندن کارگر که: شرکت را به سمت خصوصی‌سازی سوق می‌دهیم و کارگران اخراج می‌شوند و لذا کارگران نیز از ترس بیکار شدن در زمانی که تورم جامعه روزانه چندین درصد اضافه می‌شود و نبود کار در سطح کشور، تن به خواسته‌های مدیران می‌دهند. در بیشتر مواقع مدیران با این حربه موفق می‌شوند که کارگران را بترسانند زیرا هیچ تشکل مستقل کارگری که از طرف کارگران حمایت شود جهت جانب‌داری و حمایت از حقوق کارگر در ایران وجود ندارد، تنها سندیکای رانندگان و کارگران اتوبوس‌رانی تهران و حومه با تمام قوا جلوی بی‌قانونی و بی‌اخلاقی‌ها مقاومت کرده و هزینه‌های هنگفتی اعم از اخراج و بیکاری و زندان را داده است. اموال عمومی همچنان باید در اختیار دولت بماند مانند صنایع مادر، مخابرات، بانک‌ها و راه و آهن و غیره... اما با تفسیر های غلط جهت منفعت‌طلبی عده‌ای هر آنچه را که به عموم مردم تعلق

داشت یا به نوعی مالکیت آن دولتی بود و تحت لوای مدیریت دولت بود، به تدریج واگذار کردند. مانند سازمان تأمین اجتماعی که حاصل دست رنج میلیون‌ها کارگر طی 70 الی 80 سال پیش بوده و بدون برنامه واگذار به عده‌ای خاص شد. در بخش حمل‌ونقل درون‌شهری، که نگارنده سال‌ها به‌عنوان راننده اتوبوس مشغول به‌کار است، با کمی درنگ در می‌یابیم شرکت‌هایی که مثل قارچ در سطح شهر تهران سر به آسمان کشیده‌اند، که برخی بعد از چند ماه اقدام به جمع‌آوری کرده و فقط از اعتبارات مورد نظر نهایت سوءاستفاده را می‌کنند. جملگی متعلق به افراد خاص می‌باشند. به‌عنوان نمونه: «تعاونی همکار واحد» که دفتر مرکزی آن در میدان «رسالت»، خیابان «هنگام» است تمام مدیران ارشد آن، روزی از مدیران رده‌بالای شرکت اتوبوس‌رانی تهران بوده و پس از بازنشستگی در «تعاونی همکار» سهام‌دار می‌باشند. حال آن که اتوبوس را با شرایطی به رانندگان و کارگران به‌صورت 4 دانگ از 6 دانگ و اجاره به‌شرط تملک واگذار کرده‌اند که در هر ماه مبلغ قابل‌توجهی از رانندگان بابت امتیاز خط و اتوبوس دریافت می‌کنند. همچنین اکثر ایستگاه‌های «بی آر تی» را نیز در اختیار دارند. اگر برآورد مالی دقیق صورت پذیرد با مبالغ بسیار زیادی روبرو می‌شویم که نصیب «تعاونی همکار» می‌شود. بنابراین این خصوصی‌سازی، حداقل در بخش حمل‌ونقل درون‌شهری کاملاً به ضرر کارگر و به کام مدیران ارشد شرکت، شهرداری و سازمان‌های خاص شده است و اگر یک واکاوی در بخش مسافران نیز انجام دهیم کاملاً با نظر من موافق خواهید شد که تمام هزینه‌های کلان حمل‌ونقل شهری که مطابق قانون از وظایف دولت است، از جیب شهروندان و مسافران تأمین می‌شود و رانندگانی که اقدام به تحویل اتوبوس کردند همگی معترف به زیان می‌باشند زیرا اتوبوس‌رانی و شهرداری به تعهد

خود عمل نکرده و تمام هزینه‌های کمرشکن را باید راننده‌ها متقبل شوند. مانند کارواش، لاستیک، قطعات یدکی و پارکینگ جهت پارک اتوبوس. که ابتدا با یارانه دولتی به رانندگان وعده داده شده بود. نگارنده معتقد است که خصوصی‌سازی فقط برای افراد خاص سود داشته و برای عموم جامعه باعث ضرر است و همچنین تابویی برای کارگران است برای استثمار بیشتر. در اتوبوس‌رانی با ورود اتوبوس‌های دو کابین که مطابق قوانین راهنمایی و رانندگی، خودرود فوق سنگین و مفصل دار است، شرکت مکلف است که با تغییر اتوبوس‌ها حقوقی متناسب در نظر بگیرد اما در عمل حقوقی اضافه نشد بلکه فشار مضاعفی برای بهره‌کشی بیشتر به رانندگان اعمال شد و مدیران ارشد، همچون آقایان «سنندجی»، «مدیر عامل»، «صادقی پیروز» معاونت منابع انسانی، «مالکی» معاونت اجرایی و «یحیی عظیمی» معاون مدیر، نماینده مدیر در شوراهای ورپیس کمیته‌ی انضباطی کار، که سه نفر آخری همگی از بازنشستگان ارگان‌ها و سازمان خاص می‌باشند، با بی‌اعتنایی به قانون در شرکت اتوبوس‌رانی با حقوق و مزایای زیاد مشغول می‌باشند که بارها عنوان داشته‌اند «اگر کارگران پیگیر احقاق حق قانونی خود باشند، باقی مانده شرکت واحد را نیز خصوصی کرده» و هر از گاهی طرحی را به شورای شهر ارایه می‌دهند و این تابویی برای رانندگان شده برای بهره‌کشی هرچه بیشتر آقایان مذکور از کارگران. راننده‌گانی که پیگیر حقوق قانونی باشند. آنها با پرونده سازی و سندسازی که از کثیف‌ترین و غیر اخلاقی‌ترین اعمال است، مبادرت به اخراج رانندگان معترض می‌کنند. آیا فشار امروزی که بر کارگران وارد می‌شود، ما را به یاد دوران برده‌داری نمی‌اندازد؟ باورش سخت است اما در قرن 21 برده‌داری رواج دارد حتماً بیشتر از گذشته و فقط کلمه‌ی لغوی آن تغییر کرده است: **کارگر**

**وحید فریدونی کارگر سندیکالیست و راننده شرکت واحد**

## فقدان امکانات نگهداری از فرزندان کارگران زن در بسیاری از واحدهای تولیدی

چکیده: «به موجب ماده 78 قانون کار در کارگاه برای نگهداری فرزندان کارگران زن تسهیلات ایجاد شود/ حتی در برخی کارگاه‌های دولتی برای نگهداری کودکان نوزاد و خردسال کارگران مادر هیچ امکاناتی وجود ندارد.»

حمید بهرادعضو کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان سمنان گفت: به دلیل اوضاع نامناسب اقتصادی در بسیاری از کارگاه‌ها قوانین حمایتی از «کارگران مادر» عمل نمی‌کنند. به موجب ماده 78 قانون کار در کارگاه‌هایی که کارگران زن دارای کودک نوزاد یا خردسال هستند کارفرما مکلف است برای نگهداری فرزندان این کارگران، شیرخوارگاه و یا مهد کودک دایر کند. وی افزود: بدلیل وجود وجود این ماده، قانون کار به کارفرمایان مشمول اجازه نمی‌دهد که تحت هیچ شرایطی (حتی اوضاع نامناسب اقتصادی) به این تعهد قانونی خود در برابر کارگران مادر عمل نکنند. امروز کارفرمایان مشمول ماده 78 قانون کار براساس وضعیت درآمدی خود و همچنین تعداد کارگران مادری که استخدام کرده‌اند، باید نسبت به راه اندازی شیرخوارگاه یا مهدکودک اقدام می‌کنند. در حال حاضر حتی در برخی کارگاه‌های دولتی برای نگهداری کودکان نوزاد و خردسال کارگران مادر هیچ امکاناتی وجود ندارد و والدین این کودکان مجبوراند تا در طول ساعات کار با هزینه شخصی از فرزندان خود مراقبت کنند. هم اکنون در استان سمنان هزینه یک مهدکودک در کمترین حالت سالانه 800 هزار تومان است و این درحالی است که در



سال 92 صرفه نظر از دستمزد ناچیز کارگران، مبلغ حق اولاد در ماه کمتر از 50 هزار تومان است. این کارگری فعال گفت: حتی مجموع حق اولاد یک سال کارگر برای پرداخت هزینه مهدکودک کافی نیست.

**برگرفته از خبرگزاری کار ایران (ایلنا)**

## **اعلامیه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری WFTU**

**همبستگی با کارگران و مبارزان راه آزادی!**

**به آزادی های سندیکایی در ایران احترام بگذارید!**

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، با اطلاع از شرایط در زندان رجایی شهر کرج بار دیگر تمکین به آزادی های دموکراتیک و احترام به حقوق سندیکایی، همچنان که در همه کشورها رعایت می شود، را تقاضا می کند. هیچ کارگری را نمی توان به دلیل فعالیت سندیکایی، در سندیکاهای کارگری به زندان انداخت. ما آزادی همه فعالان اتحادیه های کارگری و رهایی آنان از زندان های ایران را خواهانیم.

**دبیر خانه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری WFTU**

**آتن – یونان – 7 تیرماه 1392**



## اخبار کارگری فلزکار

\* کلیه سالن ها و خطوط تولیدی کارخانه ایران خودرو به دلیل تحریم و مشخص نبودن قیمت خودروهای تولیدی همچنان در حال رکود بسر می برند. کارگران که طی 30 سال حتما لحظه ای قادر به خاراندن سر خود نبودند این فرصت رایافته اند که در این بی تکلیفی دور هم جمع شده و در مورد موضوعات دلخواه صحبت کنند. از فوتبال تا انتخابات و دستمزد و آکورد. سرپرستان و عوامل حراست و بخش نیروی انسانی شرکت که هر دقیقه در سالن ها رفت و آمد داشتند به این جمع شدن ها با بی تفاوتی نگاه می کنند.

\* کارخانه ربات ماشین واقع در کمال شهر کرج ویکی از سازندگان قطعه برای ایران خودرو که در چند سال پیش با ظرفیت 200 کارگر مشغول بکار بود، در سال گذشته با کاهش نیرو به 60 نفر در اوایل سال ، برای بار دوم در اواسط سال با کمتر از 20 کارگر مشغول تولید بود. این کارخانه در حال حاضر با 6 نفر کارگر در حال کار است. کارخانه ربات ماشین جزو کارخانه هایی است که همیشه به کارگران بابت دستمزد و مزایا همیشه بدهکار است.

\* پیمانکار شهرداری منطقه 16 تهران که 90 کارگر را در زیر پوشش دارد ، حقوق خرداد کارگران خود را نداده است. این پیمانکار 25 درصد افزایش حداقل حقوق را نیز در پرداختی های خود اعمال نکرده و از بابت عیدی و سنوات سال گذشته هم به کارگران بدهکار است. او به کارگران گفته برای دریافت مطالبات خود به شهرداری مراجعه کنند. شهردار تهران

قالیباف و همچنین رییس شورای شهر تهران چمران در دیداری که با این کارگران در مسجد امام رضا داشتند در جریان این موضوع قرار گرفته اند.

\* کارخانه های بزرگ دولتی هنوز 25 درصد افزایش حداقل حقوق اعمال نکرده و به همین خاطر در کارخانجات ذوب آهن، فولاد، لوله سازی، تراکتورسازی، نیشکر هفت تپه این عدم افزایش به اعتراضات کارگری تبدیل شده و مسوولین کارخانه ها را به چاره جویی انداخته است. این مسوولین پایان تیرماه را برای پرداخت 25 درصد افزایش حداقل حقوق 4 ماه امسال را به کارگران خود وعده داده اند.

\* کارخانه اشتاد سازنده و نماینده انحصاری ماشینهای کشاورزی تیلر از ژاپن، در شهرک صنعتی نظرآباد کرج واقع است. این کارخانه از کارخانه های مادر در صنایع کشاورزی به حساب می آید. در سال 1375 به تامین اجتماعی (شستا) کارخانه نیروی محرکه فروخته شد. کارخانه نیروی محرکه که خود زیرمجموعه ایران خودرو است و برایش تولید می کند. این کارخانه قبل از 1390 ، 600 کارگر داشت که با آمدن قلی زاده شوهر خواهر نجم الدین مدیرعامل ایران خودرو، مهندسین و تکنسین های مجرب را اخراج کرده و به جای آن مدیریت فامیلی را جایگزین کرد. خود آقای قلی زاده در مگا موتور رییس کنترل کیفیت بوده و آنچنان تخصصی در امر مدیریت نداشت و بواسطه مدیرعامل ایران خود رو به این سمت رسید. نتیجه این شد که در طی دو سال 400 کارگر آن اخراج و بخش های ریخته گری، ماشین کاری و بخش مونتاژ که بخش اصلی محصول ماشین کشاورزی تیلر را می ساخت تعطیل شدند. برای آنکه کارخانه را تقویت مالی کنند سوله ها را به کارخانه ماشین سازی زامیاد کرایه داده تا مدیران بتوانند حقوق صدمیلیونی خود را دریافت کنند. در حالی که کارگران

ماهها حقوق 400 هزار تومانی خود را دریافت نمی کردند.حتا کار بجایی رسید که برای شرکت های دیگر بصورت پیمان مدیریت کار کردند(1).از 200 کارگر این کارخانه تعداد 50 نفر رسمی و 150 نفر قرار دادی با شرکت های پیمانکار نیروی انسانی هستند.در حال حاضر کارگران کارخانه اشتاد 3 روز در هفته کاری کنند و 70 درصد حقوق شان را دریافت می کند.که البته سه ماه به سه ماه همیشه از حقوق عقب هستند.کار فرما برای گریز از مسایل حقوقی حتا به کارگران فیش حقوقی هم نمی دهد.در حال حاضر بخش های اصلی کارخانه که به تولید ماشین کشاورزی تیلر اختصاص داشت مانند ریخته گری،قسمت پرس های 900 تنی که در استان تهران و البرز کم نظیر هستند در کارخانه خاک می خورند.و فقط قسمت رنگ تا حدودی فعال است. کارخانه برای شرکت نیروی محرکه موتورسیکلت مونتاژ می کند.تولید در این کارخانه متوقف شده است. مدیران کارخانه در صدد هستند که کارخانه را تغییر کاربری داده تا زمینهای آن را فروخته کارخانه را برچینند.کار فرما برای آنکه بتواند از عهده مخارج سنگین آقایان مدیران بی عرضه برآید دستگاههای کارخانه را می فروشند.کارگران کارخانه های اشتاد و نساجی مقدم هر روزه به فرمانداری ساوجبلاغ مراجعه کرده و از عدم حقوق خود به فرمانداری شکایت می کنند.مدیران کارخانه نیز با سر دواندن کارگران و مستاصل کردن آنان ،کار را بجایی رسانده اند که کارگران آرزوی خلاصی از این کارخانه را دارند.کارخانه اشتاد که در دهه چهل در ساوجبلاغ به مادر تولید ماشینهای کشاورزی تبدیل شده بود و حتا برای کارگرانش خانه های سازمانی ساخته بود و شهرکی صنعتی را برپا نموده بودند با خیانت سرمایه داری انگل تجاری به نابودی کشیده شده و تعداد طبقه کارگر را در این شهر کاهش دادند تا بهتر بتوانند بدون رویارویی با کارگران و

مقاومت این طبقه، با زمین خواری و بورس بازی صنعت کشور را نابود و استقلال اقتصادی را زمین گیر بکنند. این کارخانه در زمان انقلاب کارگران پیشتازی را به جامعه انقلابی تقدیم کرد که یادشان گرامی باد.

\*کارخانه سیمان آبیک به دلیل تحریم های ایجاد شده و نرسیدن مواد اولیه که همراه با سوء مدیریت همراه بود در خطوط تولید و قسمت بسته بندی دچار رکود شد و به مدت 2 هفته از کاربازماند. این کارخانه که در سالهای قبل 3000 کارگر داشت با خیانت های سرمایه داری انگل تجاری به 1000 نفر کاهش یافت و تولید آن به یک سوم تقلیل یافته است. که به تبع بر روی قیمت سیمان نیز تاثیر گذاشته و باعث گرانی این محصول شده است.

\*کارخانه مادیران در شهر صنعتی هشتگرد کرج واقع است و درحال حاضر به تولید گوشی موبایل می پردازد. این واحد تولیدی که زمانی سازنده مونیتور های کامپیوتری بود و در عرصه عرضه این محصول گوی را از رقبای خارجی ربوده بود با واردات بی رویه مانیتور به کشور از کره و سنگاپور دچار رکود شد و یک سوم کارگرانش را که عموماً زنان و دختران تشکیل می دادند را از دست داد. مدیریت پس از اخراج کارگران زن و تعطیل بخش مونیتورینگ جمعی از مهندسين مجرب را نیز خانه نشین کرد. سرمایه داری انگل تجاری برای نابودی صنعت و ژرف تر کردن دره فقر و بدبختی کارگران واحدهای تولیدی رامتوقف و اخراج کارگران، باعث خیل عظیم ارتش بیکاران می شوند.

\*کارخانه نساجی فخر ایران (نمازی قبلی) پس از بازنشسته کردن و اخراج 950 کارگر خود با سوابق بالای 20 الی 25 سال کارخانه را به قسمت های مختلف تقسیم کرده و به کارگاههای تولیدی کوچک اجاره داده

اند تا مخارج مدیران در خدمت سرمایه داری انگل تجاری تامین شود. نمونه ای هوشمندانه از اشتغال زایی رواج یافته!!!.

\*کارخانه مقدم یکی از باسابقه ترین نساجی های کشور در نظر آباد کرج ، پس از استقرار مدیران وابسته به سرمایه داری انگل تجاری در آن ، سالن نمایشگاه محصولاتش به پایگاه بسیج تبدیل شد و سپس مابقی کارخانه را به تعاونی تولیدی فروخته اند که یاران همان سرمایه داری انگل تجاری است. شهرداری برای نابودی این کارخانه باغهای کشاورزیش را بابت بدهی عوارض شهرداری تصاحب کرد. کارگران نیز به افتخار بیکاری نایل شدند .

کارخانه های نساجی مقدم ، فخر ایران ، اشتاد ، سیمان آبیگ از کارخانه های مادر در استان البرز بودند. این کارخانه ها در دهه چهل از آنچنان رونقی برخوردار بودند که شهرک های صنعتی ساخته و برای کارگران نیز در نزدیکی کارخانه مبادرت به ساخت خانه های سازمانی نموده بودند.

\* کارگران کارخانه شیشه فلوت قزوین یکی از کارخانه های بی نظیر در خاورمیانه که بدست مهندسین انگلیسی در سال 1389 راه اندازی شد از بهمن ماه حقوق نگرفته اند. هرچند که در زمان راه اندازی هم 11 ماه حقوق معوقه داشتند. در حال حاضر مدتی است که مهندسین انگلیسی از کارخانه رفته اند و هم زمان نیز اکثر کارگران را اخراج کردند.

\*شهرک های صنعتی شمس آباد، ایوانکی، عباس آباد، پایتخت، اشتاد در محور گرمسار تعطیل شده و 40 الی 50 نفر نگهبانان و انبار دارهای در واحدهای تولیدی این شهرک ها حضور دارند. در این شهرک ها بلبرینگ، کندانسور، اوپرتور و لوازم خانگی تولید می شد.

\*کارخانه ایران خودرو به رغم تلاشی که در هفته اخیر از طرف مدیریت به عمل آمد تنها توانست در بخش تولید وانت و پژو تا حدودی فعال شود. بخش رنگ و تزئینات پژو با 2 شیفت و نصف ظرفیت کار می کند. قسمت ال 90 تعطیل کامل شده است.

\*چای شمال ایران یکی از باکیفیت ترین چای های جهان است متأسفانه با سیاست های ضد ملی و ضد کشاورزی سرمایه داری انگل تجاری طبق گفته آقای رضائی رییس سندیکای چایکاران لاهیجان ضربه مهلکی به صنعت تولید چای و کشاورزان چایکار زده است. او می گوید 7000 هکتار زمین کشت چای از سال 1385 از بین رفته است. باتوجه به اینکه 90 درصد مردم لاهیجان چایکارند و 6 ماه از سال را کار کرده و 6 ماه را بیکارند و کشت چای به زندگی و معیشت مردم ارتباط مستقیم دارد، این خیانت به صنعت چای بیشتر نمایان می شود. کارخانه های چای بهاره و برهان تعطیل شده و یکسال حقوق معوقه به کارگزارانشان بدهکارند. کارخانه چای املش چای بی کیفیت از خارج وارد کرده و بسته بندی کرده می فروشند.

\*اخراج 10 کارگر کارخانه لوازم خانگی پاک شوما. این کارگران به بهانه دادن تست اعتیاد و سپس بدون رایحه هیچ گونه مدرکی به کارگزینی رفته و برگ اخراج گرفتند. سیاست یکساله مدیریت حاج محمود ابراهیمی اخراج کارگران متاهل و با سابقه و جایگزینی با کارگران جوان و مجرد بوده است.

**بارسال خبرهای کارگری نشریه پیام  
سندیکا را یاری کنید!**

## ریشه ی این همه تبعیض به زیان کارگران ایرانی در کجاست؟

شرکت دایلم (DAELEM) کره جنوبی با يك شرکت دلالی کار (منپاوری) بنام N. T. C قراردادى درمورد استخدام کارگرمنعقد نموده که کلیه کارگران مورد نیاز شرکت دایلم از کارگر نظافتچی تا جوشکار و لوله کش صنعتی و داربست بند و ... را در اختیارش قرار دهد. البته نه از نیروی کار ایرانی بلکه از کارگران فیلیپین و کره و چین و هند و مالزی. این شرکت در شمال پارس جنوبی در کنگان فعال است. اگر يك کارگر اروپایی یا امریکایی از این خبر آگاه شود اولین تصویری که به ذهنش خطور می کند این است که ایران به اشتغال صد در صد رسیده و حتا نیازمند نیروی کار کارگران خارجی است!! آیا در واقع همین گونه است؟

آیا این شکل جدیدی از استثمار نیروی کار با اهداف جدید است یا يك پدیده ی پیچیده ی استعماری؟؟ امروز ما شاهدقراردادهایی با شرکت های چند ملیتی، يك طرفه و غیرشفاف هستیم با شرایطی که بدتر از قرارداد های دوران قاجاریه با داری است. شرکت های منپاوری بدون يك ریال هزینه، بدون هیچ سرمایه گذاری در ابزار تولید، یا در هیچ زمینه ی دیگری فقط واسطه ی بین نیروی کارومتقاضی نیروی کارند. این مناسبات واسطه های، الگوی امریکایی صندوق بین المللی پول است برای خلق يك طبقه ی انگل، بدون کار، وبدون سرمایه، برای حذف بخش دیگری از حقوق زحمت کشان وریختن آن به جیب سرمایه داران تا پروژه های اجرایی هرچه پُر هزینه تر شود. شرکت منپاوری T. C. N چهارصد نیروی کار فیلیپین به پارس جنوبی وارد کرده است که بدون استثنا تخصص ندارند. روستایی بیسواد فیلیپینی را به عنوان کارگر ساده و نظافتچی معرفی می کند با ماهیانه 800 دلار که بادلار 3400 تومان، حقوق این نظافتچی می شود



(دریافتی کارگر فیلیپینی) دومیلیون و هفتصد و بیست هزار تومان. این دریافتی آن کارگر ساده است. اگر اضافات دیگر را چون سهم خود منپاور، هزینه‌های رفت و آمد آن‌ها و .... به آن اضافه کنیم به رقمی میلیونی می‌رسیم که ایران باید بابت يك کارگر ساده پرداخت کند. در حالی که کارگر ایرانی بیکار و گرسنه آرزوی درصدی از این مبلغ را دارد. به این اعداد توجه کنید. شرکت دایلم بابت استخدام يك مهندس ایرانی مبلغ ده هزار دلار از دولت ایران دریافت می‌کند. حداقل هشت هزار دلار و حداکثر ده هزار دلار. ولی مهندسان استخدامی کره‌ای رقم بسیار بالاتری می‌گیرند که ما اطلاع نداریم. با توجه به دلار 3400 تومان دریافت دایلم از دولت ایران می‌شود 34 میلیون تومان که مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان را به مهندس ایرانی می‌دهد و هزینه خوابگاه و غذایی که خود کره‌ای اعلام می‌نماید مبلغ هفتصد و سی هزار تومان بابت هر مهندس است. کل هزینه بابت يك مهندس می‌شود سه میلیون و دویست و سی هزار تومان بقیه به کیسه شرکت کره‌ای می‌رود. این شرکت بابت يك مهندس ایرانی 11/8 برابر پول دریافت می‌کند. این نسبت برای کارگران کمتر می‌شود ولی بهر حال این چه ضرورتی است که می‌باید يك فرد به عنوان واسطه و دلال بین شرکت‌های متقاضی کار و کارگر قرار گیرد و سهم عمده‌ای از حقوق کارگر را بدون کار، تنها به دلیل دلالتی، یعنی مناسبات غیر ضروری و تحمیلی اقتصاد نئولیبرالیستی به کیسه خود بریزد؟! چرا حاکمیت موجود از ایجاد تشکلهای کارگری که می‌توانند قراردادهای دست جمعی برای حفظ و دفاع از حقوق کارگر ببندند جلوگیری می‌کند؟! مگر قرار نبود اقتصاد ما نه شرقی باشد و نه غربی و اقتصاد اسلامی ورد زبان مسئولان نبود؟ آیا اقتصاد اسلامی همان تعدیل ساختاری و خصوصی سازی و چاپیدن کارگران توسط دلالان و برنامه و مناسبات اقتصادی

پیشنهادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است؟ اگر قبلاً اشتباه کرده بودید شفاف با مردم در میان بگذارید. چگونه می‌شود که از يك سو الگوی اقتصاد امریکایی را با شوق و ذوق در ایران به کار می‌بندید و از سوی دیگر خود را در حال جنگ با او اعلام می‌کنید. به هر حال به اصل موضوع برگردیم. خوابگاه‌ها و غذا و سرویس رفت و آمدها کارگران ساده بسیار مطلوب است. آن‌ها را با اتوبوس‌های شیک و کولردار جابه‌جا می‌کنند. اگر کارگران ساده فیلیپینی اضافه کار بمانند يك ميز بزرگ از كيك و نوشابه‌های خارجی خریداری شده از دبی رابه آن‌ها عرضه می‌کنند. ولی کارگر فنی ایران باید روی خاک و در ظرف يك بار مصرف غذا را میل کند. از میان کارگران فیلیپینی، آن که کوره سوادى دارد، فورمن می‌شود مثلاً " فورمن دار بست‌بند. (سرپرست 4 نیروی اجرایی) این فرد بدون این که خودش دست به آچار بزند، ماهیانه 2300 دلار دریافت می‌کند. یعنی معادل هفت میلیون هشتصد و بیست هزار تومان که هیچ مهندس ایرانی چنین مبلغی را در خواب هم نمی‌بیند. حقوق يك فورمن ایرانی در همان کنگان يك میلیون و ششصد هزار تومان است که همان را هم هر ماه دریافت نمی‌کند. شرکت کره‌ای که می‌داند قانون کار در ایران تنها يك مترسك روی خرمن است. ماهانه 2/5 روز مرخصی استحقاقی مهندسان ایرانی را پرداخت نمی‌کند. کارگران وارد شده بوسیله شرکت T. C. N هیچ کدام تخصصی ندارند آنها یا خواندن نوشتن رامی دانند یا نه، بیسوادها کارگر ساده و نظافت چی می‌شوند و بقیه که سواد خواندن دارند روانه سالن‌های بزرگ ساخت قطعات (شاپ‌ها) می‌شوند تا با ماه‌ها تمرین با هزینه دولت ایران، يك جوشکار درجه 3 بشوند یا يك فیتزر(لوله کشی صنعتی). چرا دولت همین امکان را برای این همه لیسانس‌های بیکار ایرانی فراهم نمی‌کند؟ آیا چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام

نیست؟ آیا این حرام حلال شده و چراغ، یا همان درآمد ناشی از کار باید خانه فیلیپینی و چینی و مالزیایی را روشن کند ولی کارگر ایرانی گرسنگی را تجربه نماید؟! این کارگر ساده فیلیپینی پس از تمرین زیاد، عاقبت جوشکار می شود. وقتی جوشکار درجه 3 شد، ماهیانه 1800 دلار دریافت خواهد کرد که معادل شش میلیون و یکصد هزار تومان است ولی پولی که شرکت دایلم بابت این کارگران می گیرد سر به فلک می زند. رقم حقوق جوشکار در 11/8 برابر ضرب کنید. گویی ایران تنها برای ایرانی ها يك جهنم است ولی برای بیگانگان بهشتی است استثنایی ولی نه برای هر بیگانه ای، کارگران افغانی در ایران شرایطی بسیار بدتر از شرایط کارگران ایرانی دارند. در سایت هر پروژه پارس جنوبی دهها لیسانس و مهندس و متالوژ جوان ایرانی به جای دیدن آموزش به کار نظافت چی گری و یا عملگی با بیل و کلنگ می پردازند و به قولی، آچار به دستند، با حداقل حقوق و خوابگاه های سراسر ساس (حشره ی گزنده ی خون آشام) و پتو و تشك های سیاه شده از چرك و بوی نای و حقوقی که پس از سه الی چهار ماه با استرس و اعتصاب بدست می آید. آیا مدیران حکومتی نمی دانند که حداقل باید سر هر ماه حقوق يك کارگر پرداخت شود؟ روزنامه ها پُر است از اخبار دیر کرد حقوق کارگران و آقایان مسوول برایشان اهمیت ندارد. چرا؟؟ چرا قانون کار فقط در يك کتابچه وجود واقعی دارد و هیچ ضمانت اجرایی برای انجام آن وجود ندارد؟! چرا حکومت مدعی دفاع از مستضعفان، تنها منافع مستکبران (بخش خصوصی و دلال های بازار) را تامین می کند؟ این ادعاهای شما در زیر پرچم يك اعتقاد و در پشت ماسك خاص آن، توانست تداوم یابد. اگر مردم در مقابل این همه ستم، ایستادند، شمایه ویلاها و کاخ هایتان در ینگه دنیا و کانادا و سویس و ... رفتید تکلیف آن پرچم و آن اعتقاد چه می شود؟! کاتولیک ها هم روزی روزگاری، همه ی اروپا را

دراختیار داشتند!! حداقل، کاری کنید تا جایی مثل واتیکان را برای خودتان باقی بگذارید. به کارگر فیلیپینی کارت شارژ همراه روزانه پرداخت می‌کنند تا با خانواده‌هایشان تماس داشته باشند کارگر ایرانی هم در همین اردوگاه کار نئولیبرالیستی کار می‌کند، ولی دریغ از حتا حقوق ماهانه‌اش. کارگران فیلیپینی کارت شارژ را به کارگران ایرانی نشان می‌دهند و با توهین می‌گویند: "هی، علی بابا می‌بینی." البته نباید واقعیت‌ها را ندیده گرفت، برخی از آنان در حق کارگران ایرانی هم لطف زیادی می‌کنند و شرایط هم طبقه‌ای‌هایشان را درک می‌کنند. به کارگر ایرانی طبق قانون کار دو روز و نصف باید مرخصی بدهند در هر ماه، یا پول آن‌را. هم شرکت خارجی دایلم و هم شرکت‌های "ریش‌دانه برنجی" وطنی نه مرخصی را می‌دهند و نه پولش را. باز هم طبق قانون کار سترون باید به کارگر ایرانی سنوات پرداخت کنند. پیمانکاران خارجی و وطنی با ریشخند می‌گویند: "اینجا منطقه آزاد یا ویژه تجاری است قانون کار شامل حالش نمی‌شود" و بخش مقدس خصوصی، این "حبیبان خدا!"، سنوات کارگران را به کیسه خود می‌ریزند. باز هم طبق، همان قانون کار به کارگر ایرانی باید هر ماه حقوق پرداخت گردد همان چندر غاز توافق شده را ولی آن را پیمانکار در حساب خودش برای کارگر پس انداز می‌کند و بعد از چهار یا پنج ماه بستگی به نوع اعتراضات کارگران يك ماه آن را پرداخت می‌کند. آن هم با هزاران دروغ که کارفرما پول نمی‌دهد و من النگوهای زنم را فروخته‌ام و ... کارگر ایرانی طبق قانون کار باید هفت درصد حق بیمه بپردازد که پیمانکار آن را هر ماه از حقوقش کسر می‌کند، و به حساب خود می‌ریزد. ولی باز هم طبق قانون کار پیمانکار باید بیست و سه درصد به هفت درصد اضافه کند و بابت بیمه کارگر به تامین اجتماعی بدهد. باز هم پیمانکاران با تکیه بر این که اینجا منطقه آزاد

یا ویژه تجاری است، آن را پرداخت نمی کنند. برخی پیمانکاران هم که پرداخت می کنند، هفت درصد را طبق حقوق کارگر از اوکسرمی کنند ولی بیست و سه درصد را طبق حداقل حقوق پرداخت می کنند. به هر حال به قول ادبیات لمپنی، که تلویزیون نوع گویش آن ها را همه گیر کرده است: پیمانکار " کف زنی " می کند. این يك بام و دو هوا این تصور را به وجود می آورد که ما مثنی بیگانه هستیم و در کشوری بیگانه کار می کنیم. ایران شده کشور فلیپینی، مالزیایی و چینی و فلسطینی نه سرزمین ایرانیان، شاید ما را هم می خواهند مانند صهیونیست ها به دریا بریزند. از سوی دیگر فقر و درماندگی و ناتوانی در تامین هزینه های زندگی باعث گردیده برخی از روی ناچاری دست به تن فروشی بزنند. آری کارگر مسلمان از روی درماندگی خودش را به صاحبان بودایی و مسیحی فلیپینی این کشور می فروشند تا شرمندهی خانواده اشان نباشند، در حالی که شخصیت خودش را له و تحقیر کرده است. یکی از آن ها درکنگان دستگیر و اخراج شد. همین اتفاق دو سال پیش در رابطه با کارگران چینی در اراک در یونیت 14 فاز 2 پالایشگاه اراک رخ داد.

آیا مناسبات اقتصادی امریکایی (نئولیبرالیسم) آن هم در کشوری که از نظر صنعتی و فرهنگی عقب رانده شده است و از نظر اقتصادی تنها به دلارهای نفتی و دلالی متکی است، ویرانگر امروز و فردای ایران نیست؟ آیا سقوط اخلاقی جامعه، پایین آمدن سن تن فروشی از روی فقر، تن فروشی مردان، اعتیاد و زور گیری خیابانی و ... برآیند مناسبات اقتصادی موجود نیست؟ نگرش و شیوه های که فقر و بیکاری را از يك سو و گرانی و ورشکستگی صنایع تولید کالایی را از سوی دیگر، در پی داشته است! نگرش اقتصادی پیشنهادی صندوق بین المللی پول که اقتصاد اروپا و امریکا را در هم پیچیده بوسیله فراماسیونرهای اقتصادی وطنی،

بنام استادان دانشگاه و مشاوران دولت های بعد از جنگ به مناسبات تک قطبی اقتصاد ما تحمیل شده است و ایران را در جایگاه بحرانی امروزی اش قرار داده و ایران را بهشت بیگانگان و دلالان کرده است، با واردات بی کیفیت ترین، کالاهای مصرفی و کارگران بیسواد و بدون تخصص. (در حالی که ایران دارای بیشترین و بهترین جوشکاران و لوله کشان صنعتی در آسیا است) جهنمی است برای ایرانیان، با فقر سیاه و اعتیاد و تن فروشی مردان و زنان. البته این نکته را هم در نظر داریم که شرایط کار برای این کارگران در کشورهای خودشان بسیار بسیار نامناسب است. آنها هم در کشورهای خودشان شرایط بدتری از کارگران ایرانی در ایران دارند و... که در جای خود نیاز به بررسی و تحلیل دارد و نمونه های آن را در مقالات و گزارش ها می خوانیم. مهاجرت نیروی کار عاملی برای تداوم سودهای کلان باز هم بیشتر برای سرمایه داران و دلالان نیروی کار در تمام جهان است که به این طریق هم سطح دستمزدها پایین نگه داشته می شود و هم کارگران را مقابل هم قرار می دهد.

**راستی ما داریم به کجا می رویم؟**

**یاور (کارگر پروژه ای)**

**با پیوستن به سندیکاهای کارگری آگاهی، توانایی و قدرت دفاع از حقوق خود را افزایش دهیم.**

**سندیکا سنگر زحمتکشان و محل حق خواهی طبقه کارگر برای دست یابی به 8 ساعت کار با حقوقی که یک خانواده 4 نفره را تامین کند، است. برای آینده ای بدون بیکاری و دستمزدی مناسب برای فرزندانمان به سندیکاهای کارگری بپیوندیم.**

## کارگران نقاش ساختمان از همه طرف تحت فشار هستند!

کارگران نقاش ساختمان که بصورت فصلی و روزمزدکار کرده، هر روزه با انواع بیماری های پوستی و ریوی و چشمی دست و پنجه نرم می کنند امسال مزدشان 10 درصد افزایش داشته، درحالی که به گفته بانک مرکزی تورم 32 درصد و حداقل حقوق کارگران در سراسر ایران باید 25 درصد افزایش پیدا کند. این اولین اجحاف در حق کارگران نقاش گران هر روزه قیمت رنگ را کارفرمایان از مزد این کارگران جبران می کنند. کارخانه های رنگ سازی هر روز به بهانه های واهی افزایش قیمت دلار و یا نبود مواد اولیه قیمت رنگ را بالا می برند. کارخانه های رنگ سازی در عرض یکسال قیمت محصولات خود را 100 درصد بالا برده اند. آیا از این 100 درصد فقط باید 25 درصدش به برادران کارگرما در این کارخانه هابرسد؟؟ مشکل کارگران ساختمان همچون مردم ایران تنها گرانی هر روزه مواد غذایی نیست، بلکه نداشتن پول باعث شده طرح هایی همچون مسکن مهر که باید متعلق به کارگران زحمت کش باشد، کارگران ساختمانی نتوانند پول تهیه کنند و مجبور شده اند امتیاز مسکن مهر خود را با مبلغ 5 میلیون تومان در قبال امضای سفته 80 میلیونی در شهرک پردیس به معاملات ملکی ها بفروشند. اینکه در این کار چه بلایی بر سر کارگر فروشنده امتیاز خواهد آمد از جمله اینکه یک امتیاز را به چند نفر می فروشند و بعد کارگر بیچاره گیر خواهد افتاد صحبت نمی کنم. بلکه در بهترین حالت این کارگران با فروش امتیاز خود از گرفتن وام هم محروم می شوند. اما مشکل اساسی که کارگران با آن درگیر هستند موضوع بیمه کارگران ساختمانی است. جالب است بدانید که به گفته خبرگزاری ایلنا «در سال گذشته سایت ثبت نام بیمه تامین اجتماعی برای کارگران تنها 20



دقیقه فعال بود و بعد از آن بسته شد» با توجه به ناآشنا بودن اکثر کارگران ساختمانی با کامپیوتر شما بگویید چه کسانی توانسته اند در این 20 دقیقه ثبت نام کنند؟ با توجه به اینکه فقط 10 هزار سهمیه از 30 هزار سهمیه تهران قرار است در نوبت فعلی به کارگران تهرانی داده شود. وقتی در پایتخت این گونه باشد ببینیم در شهرستان ها چه خبر است. باز هم به گفته خبرگزاری ایلنا « 2500، کارگر ساختمانی البرز از سال 88 در انتظار بیمه اند و یا کاهش 50 درصدی سهمیه بیمه کارگران ساختمانی در نیشابور» و این در حالی است که سهمیه بیمه کارگران ساختمانی در کل کشور 600 هزار نفر است. شما بگویید بی پناه تر از کارگران ساختمانی کارگری هست.؟؟

ما خواهان اجرای قانون در مورد کارگران ساختمانی همچون دیگر کارگران ایرانی هستیم و آن اینکه از روز اول اشتغال به کار در هر جایی تحت پوشش بیمه قرار گرفته و کارفرما مکلف به تعهدات بیمه ای کارگران تحت پوشش خود باشد.

**حسین امیدی فعال سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران**

**شرم می آید تن "سیرم" را با ترازوی کودک  
"گرسنه" کنار پیاده رو وزن کنم**

فدراسیون های کارگری عراق، سوریه، لبنان، ترکیه، مصر، اسرائیل !

## دوستان کارگر!

ماه گذشته در منطقه خاورمیانه و کشورهای ما روزهای بسیار تلخی رقم خورد. در سوریه گروههای تندرو و آدمکش با انفجار و جنگی خانگی دست به کشتار زحمتکشان و مردم بیگناه زدند. این آدمکشی موجب محدود شدن آزادی های سیاسی از طرف دولت سوریه گردید و این امکان از مردم و سندیکاهای کارگری گرفته شد تا در محیطی آرام نسبت به رویدادهای کشورشان که دستهای کثیف سرمایه داری جهانی در آن مشهود است تصمیمات درست و مطلوب را بگیرند .

در ترکیه دولت کارگر ستیز اردوغان و مجری سیاست های صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی، پس از اوباش خواندن معترضین به سیاست هایش، حمله به سندیکاهای کارگری را آغاز کرد. دولتی که در راستای منویات آمریکا برادر کشی را در سوریه ترغیب می کرد این بار دست بر روی زحمتکشان ترکیه بلند کرد.

در لبنان، صهیونیسم و امپریالیسم که بوجود آورنده گروههای تندرو مذهبی در دنیا هستند سعی می کنند با آشوب و برهم زدن آرامش در لبنان، کشور لبنان و زحمتکشان را درگیر یک جنگ خانگی دیگر کنند تا بتوانند به گروههای تندروی مسلح این امکان را بدهند تا منطقه سوریه و لبنان و عراق را در جنگی همه گیر درگیر کنند تا صهیونیسم و امپریالیسم بتوانند از موقعیت سواستفاده کرده سرزمین بزرگ صهیون را برپاسازند و زحمتکشان منطقه بحران فراگیر در قاره آمریکا و اروپا را با جنگی دیگر به دوش بکشند .

در عراق تروریسم کور هرروزه زحمتکشان وفرزندانشان را در بمب گذاری ها هدف گرفته ونابود می کند تا مردم ،دست از دمکراسی نیم بند کشیده وتحت فرمان آمریکا قرار گیرند. تا آمریکا ثروت شان را غارت کند وبا دست نشانده ای دیگر،هم سرکوب سندیکاها کارگری راهدف بگیرد وهم آرامش گورستانی را برای زحمتکشان عراق به همراه بیاورد.

با تصویب تحریم های پی در پی توسط سرمایه داری جهانی ،ایران را در مسیر تهاجم نظامی همچون عراق زمان صدام قرار داده و هم باجنگی اعلام نشده مردم وزحمتکشان را به خاموشی بکشند.وفردا دریک تهاجم وسیع به کشتار فرزندان ما دست بیالایند.تا براحتی منطقه نفت خیز و منابع عظیم انرژی را در دستان خون آلود خود بگیرند وسیطره فاشیستی رادرایران حاکم کنند.این تحریم ها به سرمایه داری کشورمان این فرصت را می دهد تا بااین بهانه دست به محدود کردن هرچه بیشتر آزادی های سیاسی بزند.

متاسفانه امروز برادران وخوهران ما درمصر درگیر یک جنگ خانمانسوز و برادرکشانه شده اند که از یکسو تندروها به آن دامن می زنند واز طرف دیگرهم ارتش برای بازپس گیری قدرت از دست رفته ، بهانه برای کشتار زحمتکشان داشته باشد ، ونیروهای نفوذی امپریالیسم هم هر دو طرف ماجرا را به تشنج و درگیری سوق می دهند.

ما از برادران وخوهرانمان می خواهیم دست به دست یکدیگر داده با پرهیز از نقشه های برادرکشی وبه نفع امپریالیسم وصهیونیسم باگسترش مبارزه برای دمکراسی وحقوق فردی واجتماعی که عامل مهم فراهم کننده شرایط تحول های اساسی اقتصادی واجتماعی در کشورهایمان است، نقشه های اسراییل وایالات متحده آمریکا وهم پیمانانش در اتحادیه

اروپا برای تسلط بر منابع عظیم و سرشار از انرژی نقش بر آب کنیم. آنچه برای سرمایه داری برای حل بحران فزاینده اش لازم است جنگ، بیکاری، فقر، زحمتکشان این کشورهاست. ما توطئه جنگ افروزی در منطقه و متعاقب آن رشد طالبان در کشورهای درگیر جنگ را محکوم کرده و سیاست هایی را که ایران و زحمتکشان منطقه را به سوی جنگ سوق دهد را افشا نموده و اعلام می کنیم شعله و رشد جنگ دارای ابعاد خطرناک محلی، منطقه ای و جهانی است و رشد قارچ گونه القاعده را فراهم خواهد ساخت.

دوستان کارگر سوریه ای، لبنانی، عراقی، مصری، ترکیه ای و اسرائیلی! ما تاکید می کنیم که همه ما کارگران منطقه و ایران طالب صلح و ضد هرگونه جنگ افروزی هستیم. جنگ برای زحمتکشان سراسر دنیا حاصلی جز درد ورنج نخواهد داشت.

**رفقای کارگر!**

بیا بید همگی با هم در کشورهایمان بر ضد جناح های جنگ افروز و عامل سرمایه داری و سرمایه داری جنگ افروز جهانی متحد شده و مبارزه کنیم. مبارزه کنیم تا فردایی بهتر را برای فرزندانمان تدارک دیده باشیم.

**تصمیم و خواست ما تعیین کننده است.**

**سندیکای کارگران فلزکار مکانیک**

**هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات**

**22/4/1392 برابر با 13 جولای 2013**

## فدراسیون های کارگری ت.ژ.ت، اونسا، اف.اس.یو، ت.اف.د.ت و سندیکای کارگران فلزکار سوئد

دوستان کارگر! از روز 31 جولای 2013 تحریم های جدیدی علیه کشور ما ایران که شش ماه پیش به امضای پرزیدنت باراک اوباما رییس جمهور آمریکا رسیده بود، به اجرا گذاشته شد. تحریم بخش های انرژی، کشتیرانی، کشتی سازی، واحد پول ملی ایران و صنایع خودروسازی و فراورده های پتروشیمی رادبرمی گیرد. ایالات متحده آمریکا از کشورهای عضو اتحادیه اروپا خواسته است که این تحریم ها را به اجرا بگذارند. با توجه به شرایط بسیار سخت اقتصادی کشورمان که گریبانگیر زحمتکشان ایرانی است این تحریم ها باعث رکود تولید در صنایع مورد تحریم و تورم و فقر بیشتر و همچنین منجر به بیکاری کارگران و متلاشی شدن خانواده های زحمتکشان ایرانی خواهد شد. این تحریم ها به سرمایه داری مالی تجاری وابسته به سرمایه داری جهانی که در سیاست نفوذ کرده است این امکان را خواهد داد تا باتوسل به بهانه تحریم، آزادی های سندیکایی و تاکید شده در قانون اساسی کشورمان را نادیده گرفته و فشار را بر فعالین سندیکایی افزون کند. این تحریم ها جنگی اعلام نشده برضد زحمتکشان ایران است و خانواده های زحمتکشان را هدف گرفته است.

کارگران ایرانی از شما می خواهند تا مبارزه برای لغو این تحریم ها را در دستور کار خود قرار دهید.

**سندیکای کارگران فلزکار مکانیک**

**هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران**

**1392/4/17 برابر با 8 جولای 2013**

## اعلام حمایت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

### از بازگشایی خانه سینمای ایران

پایمردی اعضای محترم خانه سینمای ایران در جهت حفظ حقوق شهروندی و تداوم مجمع صنفی مستقل، با تدبیر منتخبین فعالین همان صنوف و حضور دوشادوش زحمتکشان این صنعت هنری که نمایانگر وحدت مستحکم در میان اهالی این خانه برای بازستانی آن حقوق حقه است، مارا برآن داشت تا ضمن تقدیر از استقامت هنرمندان و صنعتگران سینما، حمایت خود را از تلاش برای بازگشایی و احترام به خردجمعی خانه سینما اعلام کرده و تا دستیابی به این آرمان در کنار آنان ایستاده ایم. حقوق صنفی بخش جدایی ناپذیر از حقوق شهروندی است که در اصل 26 قانون اساسی بخصوص عبارت پایانی آن نقش بسته است».. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت»

امید است که به زودی برگ جدید فعالیت در خانه سینما، با توجه ویژه به مسائل کارگری اصناف گوناگون عرصه فیلمسازی همراه شود که مسلما ارتقای جایگاه دست اندرکاران فرهنگ و هنر بدون عنایت به مصایب کارگران آن اقشار میسر نخواهد بود.

پاینده باد خانه سینما

زنده باد سندیکا

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات 1392/4/28

## مصاحبه ابراهیم مددی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی شرکت واحدبا خبرگزاری ایلنا

### انتظار کارگران از رئیس‌جمهور «حقوق‌دان»، بازگشت وزارت کار به مدار قانون است

چکیده: «اگر وزیر کار آینده قصد اجرای عدالت را دارد باید از شجاعت کافی برای پاسخگویی به معترضان، منتقدان و مخالفان احتمالی اقدامات خودبرخوردارباشد.» یک فعال مستقل صنفی در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران گفت: وزیر کار کابینه «تدبیر و امید» باید با حقوق کار، بازار کار و جامعه کارگری آشنا باشد.

ابراهیم مددی با بیان اینکه، اگر وزیر کار آینده قصد اجرای عدالت را دارد باید از شجاعت کافی برای پاسخگویی به معترضان، منتقدان و مخالفان احتمالی اقدامات خود برخوردار باشد، به ایلنا گفت: به دلیل توزیع ناعادلانه قدرت و اثرگذاری میان گروه‌های کارگری و کارفرمایی، ساختار وزارت کار با استانداردهای قانونی فاصله دارد. نمونه بارز این مسئله صدور احکامی است که در سالهای گذشته توسط مراجع تشخیص و حل اختلاف به زیان کارگران صادر شده است. وی با یادآوری اینکه رئیس‌جمهور جدید دارای تحصلات حقوقی است، گفت: کارگران از رئیس‌دولتی که خود را حقوق‌دان و پایبند قانون می‌رود انتظار دارند که فعالیت وزارت کار را به مدار حقوق کار بازگرداند. مددی افزود: برای گام نخست وزیر کار کابینه جدید باید فعالیت فعالیت تشکل‌های مستقل کارگری را به رسمیت بشناسد و علاوه بر آن به تبعیض‌های موجود در مناسبات سه جانبه پایان دهد. این فعال کارگری تاکید کرد: اگر دولت آینده



قصد اجرای عدالت را دارد باید وزیر کار کابینه بتواند از حقوق قانونی کارگران دفاع کند. مددی با اشاره به روند تصویب دستمزد سال جاری در دولت دهم، اظهار کرد: وقتی وزیر کار، تعاون و رفاه دولت در مقابل افکار عمومی با محافظه کاری، واقعیت‌های اقتصادی را نادیده گرفته و دستمزد کارگران را ۶ درصد کمتر از نرخ تورم دولتی تعیین می‌کند، دیگر نمی‌توان در چنین وزاتخانه‌ای مدعی اجرای عدالت شد. این فعال کارگری افزود: تعمد وزارت کار در پایین نگهداشتن قدرت خرید کارگران در حالی است که طی سال‌های اخیر با وجود بحران‌های اقتصادی سرمایه و دارایی کارفرمایان چندین برابر شده و در مقابل سفره و جیب کارگران روز به روز محدودتر شده است. وی با بیان اینکه در جریان تعیین دستمزدهای سال ۹۲ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جهت تامین منافع گروه‌های کارفرمایی و سرمایه‌داران گام برداشت، گفت: این وضعیت نشان می‌دهد که حتی در گفتگوهای اجتماعی نیز توزیع قدرت ناعادلانه بوده است. این فعال کارگری گفت: در حالی که قانون اساسی کشور بر رفع هرگونه تبعیض تاکید دارد، شاهد آن هستیم که گروه‌های کارفرمایی و صاحبان سرمایه به راحتی به مسئولان دسترسی دارند و از این ارتباط برای پیشبرد خواسته‌های خود استفاده می‌کنند. مددی افزود: در مقابل کارگران و حتی نمایندگان دولتی آن‌ها چون از داشتن چنین رابطه‌ای محروم‌اند باید برای بیان گفته‌های خود، مدت‌ها در پشت ساختمان‌های سازمان‌های مختلف منتظر بمانند.

**کارگر متحد همه چیز کارگر متفرق هیچ چیز**

## تعرض به حقوق کارگری

کارگر واژه شناخته شده و بسیار آشنا که تاریخچه کهن و پُر فراز و نشیبی در طی ادوار مختلف تاریخ دارد. حقوق این زحمتکش پامال شده، و با توجه به پیشینه قوی و تاریخ غنی، همیشه جزء ضعیف ترین اقشار در بین جامعه اجتماعی بوده اند. دستمزد کارگران، که از پیش پا افتاده ترین و ساده ترین نیازهای معیشتی فردی باشد، بارها از بین رفته و یا مورد تعرض قرار گرفته است. بطور مثال می توان به کارگر مشغول بکار در کارخانه های خصوصی و کارگاه ها و بخش های مختلف در صنعت تولید و عرضه محصول اشاره کرد، که با احتساب حضور و نقش مفید و موثری که در پیشرفت، تکامل و تحول نظام کار و اقتصاد داردا ما فاقد هرگونه امنیت شغلی، حقوق و مزایای کافی و متناسب با تورم و وضعیت اقتصادی کشور و همچنین عدم وجود خدمات اجتماعی و رفاهی مناسب و بسیاری از مزایای لازم که جزء نیازهای اولیه فرد می باشد، را دارند و همواره درگیر مشکلات و معضلاتی هستند که از مواد اشاره شده در فوق سرچشمه می گیرند. متأسفانه کارگران به علت نیاز بکار و هزینه های زندگی و اجتماعی جامعه حاضر به انجام فعالیت در کارخانه ها و کارگاههای و محیط های اینچنینی هستند، که فاقد بیمه، وعده غذایی، شیفت های طولانی مدت و خلاف قانون کار، سرویس ایاب و ذهاب، محیط کار نامناسب و مسایل این چنینی هستند. این موارد باعث سوء استفاده و تعرض به حقوق این زحمتکشان توسط کارفرمایان و سرمایه داران و صاحبان مشاغل شده که جای بسی اعتراض و ناراحتی و کمی تعقل توسط مسوولین مربوطه را دارد. بطوریکه در زمان نیاز، به استخدام و بکار گیری نیروهای آماده بکار اقدام کرده و در زمان کاهش تولید و فروش محصولات و کاهش تقاضا از

سمت مشتری و تغییر فصول، اقدام به تعدیل نیروهای شاغل خود می کنند، که در این صورت هیچ آمیدی به بهبود وضعیت نخواهد بود. تعجب بیشتر این است که وزارت کار نیز هیچ گونه اعتراض و دخالتی در این رابطه نداشته به صورتی زیرکانه حامی این امر نیز باشد. در سالهای اخیر این امر با اخراج کارگران باتجربه و ماهر انجام شده و در عوض با استخدام نیروهای جدید و دریافت وام های مربوط به اشتغال زایی نسبت به پیشبرد این نظام فاسد و انگلی اقدام می کنند. امید به آنکه روزی رسد که کارگران بدون هیچ دخالتی نسبت به انجام کار و فعالیت شغلی و آینده خود در محیط های کار و اجتماع تصمیم گیرنده باشند. (کارگر کارخانه تولیدی)

**\*مخالف واردات بی رویه و نابودکننده صنعت، کشاورزی، دامداری و موافق اعمال نظارتی شدید بر بازرگانی خارجی هستیم. ما موافق گرفتن مالیات اصولی و برنامه ریزی شده از سرمایه داری انگل تجاری و قماربازان اقتصادی هستیم. ما موافق دخالت سندیکاهای کارگری و دیگر تشکل های مردمی در امر مسایل اقتصادی و اجتماعی هستیم، بخصوص در مدیریت تامین اجتماعی و اجرای کامل قانون کار و نظارت بر واحدهای تولیدی بحران زده و همچنین بکارگیری و اعمال دقیق قانون کار، ایمنی و بهداشت کار و تامین اجتماعی در واحدهای تولیدی هستیم.\***

**کارگران فلزکار مکانیک دیماه 1391**

## خبرنامه تحلیلی فلزکار شماره 53

اکثر اخبار مندرج در داخل گیومه ها از خبرگزاری ایلنا نقل شده است

بیکاری، قرار دادهای موقت، عقب افتادن دستمزدها، تعطیلی کارخانه ها، کشته شدن کارگران در حوادث کاری، زیرپا گذاشتن قانون در مورد زنان کارگر و لغو بازنشستگی با 10 سال سابقه و نادیده گرفتن حقوق اعضای خانه سینما و چنبره زدن سرمایه داری انگل تجاری در سیاست و اقتصاد از جمله در وزارت کار و افزایش واردات از جمله اخبار مطرح در یکماه گذشته بوده است. نگاهی به این اخبار:

«لرستان قهرمان بیکاری کارگران در کشور - اخراج 10 کارگر قدیمی در کارخانه پاکشوما برای صرفه جویی در هزینه های کارخانه - تعطیلی کارگاه های کشتی سازی صدرای بوشهر به دلیل اعتراض 1500 کارگران به عقب افتادن حقوقشان طی سه ماه گذشته - بیکاری 78 کارگر صنایع ارسطو - 230 کارگر کاغذسازی کارون در انتظار بازگشایی کارخانه - تعطیلی 400 واحد تولیدی آجر در اصفهان - تعطیلی 300 کارخانه تولید لبنیات به دلیل هدفمندی یارانه هادی سال گذشته - 122 هزار کارگر قطعه سازی بیکار شدند - 67 کارگر اخراجی قارچ سینا در انتظار بازنشستگی - 230 کارگر فولاد اگرس قروه اخراج شدند» این گوشه کوچکی از اخبار بیکار شدن کارگران است که در مطبوعات مجاز منتشر می شود. بسیاری از کارگران ساختمانی، شرکت های خصوصی، کارگاههای کوچک اخبارشان راهی به این مطبوعات ندارد، از جمله می توان به بیکاری گسترده کارگران نقاش، بنا، گچ کار، سیمان کار، سنگ کار، جوشکار اشاره کرد. اگر بیکاری در صدر خبرهای کارگری است بی حقوقی و عدم پرداخت به موقع حقوق را نیز می توان

از مهمترین مشکلات طبقه کارگر دانست، که در پی آن، بیکاری این خانواده های کارگری را تهدید می کند. «80 کارگر تدبیر نیرو 8 ماه حقوق نگرفته اند- 250 کارگر کارخانه برک 5 ماه حقوق نگرفته اند- 300 کارگر آبفای اهواز 4 ماه تاخیر در پرداخت حقوق داشته اند- 82 هزار کارگر فولاد 3 ماه حقوق نگرفته اند و 25 درصد افزایش حداقلی حقوق هم در موردشان اجراننده است- 100 هزار کارگر شاغل در پارس جنوبی و مناطق ویژه تجاری جنوب ایران از 3 تا 5 ماه حقوق از شرکت هایشان طلبکارند- اعتراض کارگران تراکتورسازی تبریز به تاخیر 2 ماهه در پرداخت حقوقشان- اعتصاب کارگران نوردلوله و پرفیل صفای ساوه در اعتراض به 4 ماه عقب افتادن حقوق شان» اگر کارگاههای کوچک وزیر صنایع را بخواهند شرایط رکود، تحریم، هدفمندی یارانه ها، قاندها، پارس جنوبی که خود نیستند، چقدر پروژه های ملی همچون فولاد، نیرو، پارس جنوبی که پول سازترین پروژه های این کشورند و سرمایه داری انگل تجاری مدیریتش را به عهده دارد و سودهای افسانه ای می برند، کارگران شان یا بیکار و یا ماهها تعویق حقوق دارند؟ در پارس جنوبی اکثر اعتصابات توسط پیمانکاران مربوطه به کارگران توصیه و راه اندازی می شود تا از مافیای نفتی مطالباتشان را وصول کنند. آیا واقعا کمبود نقدینگی است یا اینکه در این آشفتگی بازار، سرمایه داری انگل تجاری از دادن دسترنج کارگران امتناع کرده و به سودهای بادآورده خود اضافه کند. چه کسانی در راس هرم قدرت و سیاست از اینان حمایت می کنند؟ چگونه است که کارفرمای فولادزاگرس در کمیسیون اصل 90 قول می دهد که کارگران را به سرکار بازگرداند ولی پس از آمدن کارگران به شهر قروه زیر قولش می زند؟ چرا فرماندار شهر قروه از این آدم که شهر را با ندادن حق و حقوق کارگران به آشوب می کشاند بازخواست نمی کند؟ اگر این آقایی تواند

کارخانه را راه اندازی کند، کارگران می توانند به بهترین وجهی این کار را کرده و ماهانه حقوق این آقا را هم پرداخت کنند. ثروت و بودجه این کشور از نفت تامین می شود چگونه است که این ثروت نباید اول بدست تولیدکنندگان که همانا کارگران پارس جنوبی است برسد؟ چطور برای پرداخت حقوق چند صد میلیونی مدیران پول هست و پاداش هم داده می شود ولی برای کارگران نیست؟ کدام مدیر این پروژه است که حقوقش یک ماه حداقل عقب افتاده باشد؟ و یا پاداش چند صد میلیونی در آخر سال گذشته را نگرفته باشد؟ دوستان این سیاست سرمایه داری انگل تجاری است که ایران را ویران و طبقه کارگر را له شده می خواهد. سرمایه داری برای اینکه بتواند سکان اعتراضات کارگری و نبض زندگی میلیونها زحمتکش را در دست داشته باشد، با قرار دادهای سفیدامضا این مهم را مدیریت می کند» 200 کارگر اداره مولد بخار قطار رجا قرارداد سفیدامضا هستند - 150 کارگر نیروگاه حرارتی تبریز با قرارداد کمتر از یک ماه کاری کنند. پرداخت 150 هزار تومانی کمتر از حداقل مزد در کارگاههای کوچک - حداقل مزد در برخی از کارگاههای کوچک پرداخت نمی شود - کارگران ناوایی در محدوده مصوبه حداقل مزد قرار ندارند» در نیروگاهها، پارس جنوبی، فولاد، ذوب آهن، کارخانه های ماشین سازی همچون ایران خودرو - سایپا - سایپادیزل - واگن سازی پارس - ماشین سازی اراک و تبریز - کارگران با قراردادهای یک ماه تا شش ماه کاری کنند تا شمشیر بیکاری و بیکار سازی همیشه روی گردن طبقه کارگر آویزان باشد تا هرگاه طبقه کارگر خواست اعتراضی بکند تا شمشیر بیکار سازی همچون فولاد اگرس قروه آنان را به دره فقر و تباهی بفرستند. در این میان کارگران زن بی حقوق تروبی پناه تر و مورد هجوم بیشتری اند. به این خبرها توجه کنید «کارگران زن در کارگاههای کوچک قدرت چانه زنی کمتری دارند -

تضییع حقوق کارگران زن در کارگاههای زیرزمینی شایع تر است» البته آن چه ما می دانیم از این اخبار وحشتناکتر است. کتک زدن، تجاوز، توهین های زشت در بسیاری از این کارگاهها رواج دارد. سودجویی کارفرمایان جان کارگران را نیز نشانه رفته است «کشته شدن 265 نفر بر اثر حوادث ناشی از کار در ظرف 2 ماه که در بین آنان 2 نفر زن هستند، تهران و خراسان جنوبی رکورد دار هستند» این آمار یعنی 4/5 نفر کارگر در هر روز کشته می شوند که نشان از سودجویی کارفرمایان دارد. کشته شدن کارگرانی بیگناهی که برای رفع نیازهای انسانی خود تن به شرایط غیر انسانی که مرگ عاقبت آن است هشدار دهنده این موضوع است که وزارت کار در بازرسیهای خود از کارگاهها و کارخانه ها و تذکر دادن ایمنی در کارفرمایان بشدت اهمال و سهل انگاری می کند. وزارت خانه ای که کارش رفاه و امور اجتماعی است با تصویب حداقل مزد 4 برابر زیر خط فقر، فقر را بجای رفاه و مرگ و میر را بجای امور اجتماعی در این وزارت خانه به امری عادی بدل کرده است.

نه تنها وزارت کار نگاهی انسانی به طبقه زحمتکش ندارد بلکه وزارت بازرگانی نیز به هیچ وجه سیاستی به نفع کشور و مردم را دنبال نمی کند و افزایش قیمت ها و گرانی هر روزه ناشی از سیاست های نابخردانه این وزارتخانه است. وزیر بازرگانی 30 میلیون ایرانی زحمتکش را از سبد کالای رمضان محروم کرد. 30 میلیون کارگری که سالهاست از عدم هماهنگی بین دستمزدها و گرانی اعتراضش به هفت اسمان بلند است. 70 میلیون ایرانی که با تصویب ارز مرجع 50 درصد قدرت خریدش را از دست داده است و سفره اش خالی از میوه و گوشت و روغن گشته قربانی سیاست های سرمایه داری خائنی شده است که سود را در واردات هر

چه بیشتر و نابودی اقتصاد و گرسنگی طبقه مزدبگیر می داند. «افزایش واردات 60 درصدی واردات گندم، خرید گندم از کشاورزان ایرانی 720 تومان، خرید گندم از واردکننده ها 1200 تومان - واردات دکل های حفاری چینی از چین برای وزارت نفت با توجه به داشتن توانایی کشور در ساخت دکل حفاری و رقابت با دیگر کشورها و صادرات این محصول به خارج از کشور» دوستان شما بگویید وقتی وزارت بازرگانی گندم را از وارد کننده 1200 تومان می خرد و از کشاورز ایرانی 720 تومان یعنی چه؟ جز سیاست نابودی دهقان و کشاورزی ایران معنای دیگری دارد؟ دوستان وقتی دکل های وزارت نفت بدست توانای کارگرای ایرانی ساخته می شود، وارد کردن این دکل ها از خارج جز بیکاری کارگران ایرانی و ثروتمندتر شدن بازرگانان خائن به اقتصاد و مردم ایران چیست؟

در این روزهای تغییر دولت، زمزمه ویژگی های وزیر کار آینده چندی است در میان فعالان کارگری مشاهده می شود. «وزیر کار روحانی نباید از جنس کارفرما و پیمانکار باشد - حضور گرایش کارفرمایی در وزارت کار باعث ادامه تنش های شود - وزیر کار نگاه قهرآمیز به واکنش های صنفی کارگران را تعدیل کند - تنها باید صدای کارگران را بشنود باید صدای کارگران باشد - شخصی در راس وزارت کار قرار گیرد که دارای خاستگاه و پیشینه کارگری باشد، که هر تجمعی را تهدید امنیت ملی تلقی نکند» همه این تذکرات خوب و درست است، اگر آقای روحانی قصد این را داشته باشد که از سیاست واردات به سیاست تولید و از نگرش و دستورات صندوق بین المللی پول که اقتصاد و تولید صنعتی ما را نشان داده گرفته است، فاصله بگیرد. شاید وزیر کاری از جنسی دیگر را در کارنامه خود بگنجانند. ما فکر می کنیم این سخنان ابراهیم مددی عضو برجسته سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که در مصاحبه با ایلنا ابراز شد و به دلیل



صراحتش حتا 24 ساعت هم درسایت این خبرگزاری باقی نماند، جان کلام کارگران ایران باشد.

ابراهیم مددی: انتظار کارگران از رییس جمهور حقوق دان، بازگشت وزارت کار به مدار قانون است. اگر وزیر کار آینده قصد اجرای عدالت را دارد باید از شجاعت کافی برای پاسخگویی به معترضان، منتقدان، مخالفان احتمالی اقدامات خود برخوردار باشد. وزیر کار کابینه «تدبیر و امید» باید با حقوق کار، بازار کار، و جامعه کارگری آشنا باشد.

## داغ حسرت

گوش دل وا کن تو ای بالا نشین	تا بگویم با تو از این سرزمین
سرزمینم یکسره دوزخ بماست	لیک فردوس برین اغنیاست
از گرانی جان ما بر لب رسید	کس عمل از وعده ها هرگز ندید
هرچه از این سرزمین گویم کم است	زانکه اقیانوس رنج و ماتم است
خلق برآند در این روزگار	روزگار وحشت و مردم نزار
باند یک درصد شود هر جا مهار	تا شود بنیاد هستی استوار
درد با دست خرد درمان شود	زندگی بر کام هر انسان شود
آن زمان انسان توان گفتن بما	کس نیفتد در جهان از پا ز ما
	علی جعفری مرندی (کارگر)